

پویش جغرافیایی انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران با تأکید بر مشارکت

زنان

یحیی میرشکاران^۱، زهرا پیشگاهی فرد^۲، الهام وحیدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۱

از صفحه ۸۳ تا ۱۱۴

بزهشنامه جغرافیای انتظامی

سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۷

چکیده

جغرافیای انتخابات و مشارکت زنان برای تصدی کرسی‌های انتخابی کشور با سیری نزولی و صعودی همراه بوده که علل و عوامل متفاوتی در این مسئله نقش داشته است. پژوهش حاضر با روش تلفیقی به پویش جغرافیایی نمایندگی زنان در انتخابات مجلس شورای ملی، مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا با استفاده از پرسشنامه با جمعیت آماری (۲۰۰) نفر همراه با اولویت‌بندی موانع مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه نخبگان سیاسی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سهم زنان از کرسی‌های مجلس شورای اسلامی شهرهای بزرگ در مقایسه با شهرهای کوچک و روستاها بیشتر است و در حوزه‌های چند عضوی نسبت به حوزه‌های تک عضوی هم در انتخابات مجلس شورای اسلامی و هم شوراهای شهر و روستا، سهم زنان به‌جز دوره پنجم شورای شهر و روستا، به‌مراتب افزایش یافته است و اولویت‌بندی موانع مشارکت سیاسی زنان با آزمون فریدمن شامل موانع فرهنگی، اقتصادی-روانی، سیاسی، اجتماعی، فقهی و حقوقی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: مناطق طرفدار زنان، مشارکت سیاسی زنان، جغرافیای انتخابات.

۱- استادیار جغرافیا دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

۲- استاد جغرافیا دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳- دانش‌آموخته دکتری مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) e.vahidi@modares.ac.ir

بیان مسئله

مشارکت سیاسی نیازی اساسی برای مردم و نظام سیاسی است و با گسترش هر چه بیشتر مردم‌سالاری در جهان توجه به ابعاد مختلف حضور مردم در صحنه سیاسی پررنگ‌تر می‌شود. این موضوع در چند دهه اخیر از مهم‌ترین دغدغه‌های محافل فکری و فرهنگی جهان سوم بوده است. اگرچه این پدیده از دستاوردهای فرهنگ و تمدن غربی است، اما امروزه به دغدغه جهانی تبدیل شده است که اختصاص به جوامع غربی ندارد و علت این امر را باید در فرآیند رو به گسترش جهانی شدن جستجو نمود؛ تحولی که گفتمان مشارکت سیاسی را به‌ویژه در حوزه زنان به گفتمانی جهان‌شمول مبدل ساخته است.

اگرچه کارشناسان معتقدند که خاورمیانه به نسبت دیگر مناطق به میزان کمتری تحت تأثیر امواج فرهنگی مدرنیته قرار گرفته و شاهد این مدعا فقدان مشارکت سیاسی در اغلب کشورهای خاورمیانه است، اما زنان در جامعه ایران در چند دهه گذشته تحولات چشمگیری را تجربه کرده‌اند. توده زنان ایرانی که اغلب در حاشیه مناسبات اجتماعی و سیاسی قرار داشته‌اند و نقش آن‌ها در عرصه‌های اقتصادی نیز چندان قابل توجه نبوده است، با افزایش سطح سواد، آگاهی و گسترش آموزش عالی به ارتقاء توانمندی‌های خود دست‌زده‌اند.

بر اساس آمارها زنان ایرانی از نظر سطح سواد و دانش‌آموختگی در حد شاخص‌های جهانی توسعه انسانی قرار دارند و از بسیاری از زنان منطقه و کشورهای همسایه در این زمینه پیشی گرفته‌اند؛ اما مسئله این است که به‌رغم این تحولات و دگرگونی، زنان ایرانی هنوز نقشی مطابق با تحولات فوق را در ساختارهای اقتصادی و سیاسی جامعه بر عهده نگرفته و در بسیاری از عرصه‌های مهم و تأثیرگذار جامعه غایب بوده‌اند و جایگاهشان در صحنه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی محدود به عرصه‌های کم تأثیر و خنثی است.

زنان ایرانی که از انقلاب مشروطه، دارای نقش فعالی در حرکت‌های سیاسی و اجتماعی بودند، در روند پیروزی انقلاب اسلامی و به ثمر نشستن آن نیز نقشی به سزا ایفا کردند. این موضوع، همواره توسط امام خمینی (ره) گوشزد شده و مورد قدردانی قرار می‌گرفت. مشارکت زنان، در دوران جنگ (۸) ساله ایران و عراق، با حضور مستقیم

در خط مقدم جبهه‌ها و پشتیبانی در پشت جبهه، غیرقابل انکار است؛ چراکه در این دوره‌های ویژه تاریخی، زمینه‌هایی مساعد برای افزایش مشارکت داوطلبانه آن‌ها در جریان‌های سیاسی و اجتماعی کشور فراهم شده بود.

باوجود، نقش فعال و سازنده زنان در شکل‌گیری و نهادینه شدن روند انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، آن‌چنان‌که شایسته است از سهم متناسب در ساختار قدرت سیاسی برخوردار نشده و در مواضع و تصمیم‌گیری‌ها و مناصب قدرت، حضوری کم‌رنگی دارند.

گزارش‌های دفتر توسعه انسانی سازمان ملل متحد از اقدامات کشورهای عضو، پیرامون میزان پایبندی و اهتمام دولت‌ها در زمینه تحقق اهداف برنامه‌های توانمندسازی جنسیتی و مشارکت‌دهی زنان در سیاست نشان می‌دهد حضور زنان در عرصه سیاسی و ساختار قدرت نسبت به مردان پایین بوده است. برخی مهم‌ترین علت آن را مردسالارانه بودن ساختار سیاسی کشورهای خاورمیانه و محدودیت‌های عرفی و شرعی می‌دانند که مانع از حضور پررنگ و چشمگیر زنان در عرصه‌های گوناگون می‌شود و مهم‌تر از همه طرز نگرش جامعه نسبت به حضور و فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف، میزان مشارکت زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (پیشگاهی‌فرد و زهدی‌گهرپور، ۱۳۸۹: ۲۵-۴۴). برخی بررسی‌ها نشان داده است که زنان نسبت به مردان آگاهی سیاسی کمتری دارند و در مقایسه با مردان از نظر سیاسی بی‌اعتناترند و در ملاک‌هایی چون نسبت درصد کرسی‌های پارلمانی در اختیار زنان، نسبت درصد زنان مدیر در مجموعه مدیران کشور، نسبت درصد زنان متخصص و حرفه‌ای در مجموعه شاغلان متخصص کشور و نسبت درصد سهم زنان از درآمد تحقق‌یافته، وضعیت مناسبی ندارند و دسترسی‌شان به ساخت قدرت، بسیار ضعیف است (ناجی‌راد، ۱۳۸۲: ۲۹ و چابکی، ۱۳۸۳: ۲۵۹). بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که ایران باوجود قشر عظیم دانش‌آموختگان و توانمندی‌های علمی، تخصصی و فنی بالقوه زنان؛ به سمت پایین‌ترین کشورها از نظر نرخ مشارکت سیاسی زنان تمایل دارد (رضوی‌اله‌اشم، ۱۳۸۸: ۶۰-۷۳).

در سال‌های اخیر، با گسترش آموزش عالی، زنان توانمندی‌های خود را ارتقا داده و امروز نمی‌توان آنان را در حاشیه مناسبات سیاسی - اجتماعی نگه داشت. اکنون زنان خواهان پایگاه‌هایی برای دستیابی به موقعیت‌های بهتر هستند.

آنچه ضرورت بررسی مشارکت سیاسی زنان را با رویکردی جنسیتی برجسته می‌سازد، حضور کم‌رنگ زنان در نهادهای مؤثر و تصمیم‌ساز کشور است. چنانچه شواهد و قرائن نشان می‌دهد، زنان ایرانی در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و به‌ویژه علمی و آموزشی به رشد قابل‌توجهی در سال‌های اخیر دست‌یافته‌اند، اما در عرصه مدیریت کلان سیاسی کشور حضوری درخور توجه ندارند. از این رو پژوهش حاضر درصدد است به بررسی جغرافیای انتخابات در کشور پرداخته و علل و عوامل مؤثر بر میزان و چگونگی مشارکت زنان را شناسایی و مورد تحلیل قرار دهد.

مبانی نظری پژوهش

مشارکت به مفهوم متداول امروزی، پدیده‌ای جدید در جوامع انسانی محسوب می‌شود. قرن هجدهم نقطه عطف مشارکت توده در فرآیند سیاست و شناخت حقوق شهروندان به‌صورت عضویت بیشتر در جامعه سیاسی است. (رمضان‌زرگسی، ۱۳۸۳: ۶۵). علاقه به مشارکت گسترده‌تر مردمی همراه با افزایش آگاهی سیاسی و به‌کارگیری بیشتر نیروهای اجتماعی در سیاست در عصر روشنگری و انقلاب صنعتی، در قرن نوزدهم به اوج خود رسید. مشارکت که بدین‌سان از اروپا آغاز شد، امروزه یک پدیده همگانی و مفهومی ارزشمند در مقیاس جهانی و از جمله مهم‌ترین مسائلی است که نظام‌های سیاسی به‌صورت گوناگون با آن روبه‌رو هستند (مصفا، ۲۰: ۱۳۷۵). نوهلن اظهار می‌دارد امروزه دموکراسی به‌عنوان شیوه‌ای از زمامداری، ابعادی جهانی یافته است و روشن است که مشارکت سیاسی در دموکراسی‌ها امری حیاتی و ضروری می‌باشد (نوهلن، ۲۰۰۲: ۱۲).

دائرةالمعارف بین‌المللی علوم اجتماعی، تعریف زیر را از این مفهوم ارائه می‌دهد: مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است (هانتینگتون، ۲: ۱۹۷۶: ۱۷-۱۵). مایرون واینر معتقد است که مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران و سیاست‌ها و اداره عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است

1- Deiter Nohelen

2- Saoul Huntington

(میلبراث^۱، ۱۹۸۲: ۴۲). مشارکت سیاسی دارای سلسله مراتبی است که از عدم درگیری تا گرفتن مقام رسمی یا عضویت فعال حزبی متغیر است. پایین‌ترین سطح مشارکت، رأی دادن در انتخابات و بالاترین سطح انواع گوناگون مقام‌های رسمی در نظام سیاسی است (راش، ۱۳۸۳: ۱۲۶).

از نهادهای مهمی که می‌توان به‌عنوان نمادی از تحرک سیاسی و پویش اجتماعی از آن یاد کرد، نمایندگی مجلس یا پارلمان است که نشان از حضور سیاسی زنان در اجتماع می‌دهد. بر همین اساس پس از آزادی حق رأی زنان چه در حوزه انتخاب شدن و چه در حوزه انتخاب کردن، زنانی، قبل و بعد از انقلاب وارد مجالس مختلف در ایران شدند. دوره نمایندگی در مجالس ایران قبل و بعد از انقلاب (۴) ساله است، بر اساس اصل (۶۳) قانون اساسی، انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به‌طوری‌که کشور در هیچ زمانی بدون مجلس نباشد (اصل ۶۳ قانون اساسی). تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی در حال حاضر (۲۹۰) نفر است که بر اساس اصل (۶۴) قانون اساسی هر (۱۰) سال یک‌بار با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آن، حداکثر (۲۰) نفر نماینده می‌تواند، اضافه شود (اصل ۶۴ قانون اساسی).

یکی از شاخه‌های مرتبط با جغرافیای سیاسی، جغرافیای انتخابات^۲ است که سابقه پژوهش درباره آن به قبل از جنگ جهانی اول بازمی‌گردد (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۷۴: ۴۳) و به جنبه‌های جغرافیایی انتخابات، همه‌پرسی‌ها، سازمان‌دهی آن‌ها و به‌ویژه نتایج می‌پردازد و شرایط فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره را در سطوح مختلف محلی، ملی و منطقه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد (مویر، ۱۳۷۹: ۲۵۵). جغرافیای انتخابات بر محدوده‌های جغرافیایی به‌عنوان بستری برای انتخاب نمایندگان در سطوح سه‌گانه ملی، منطقه‌ای و محلی تمرکز دارد (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۷۹: ۴).

مشارکت سیاسی مدنظر این پژوهش همان مشارکت در سطح نخبگان است که شامل نمایندگی زنان در مجالس تصمیم‌ساز ایران می‌شود. برای انتخاب شدن نمایندگان و راه‌یابی آنان به مجلس از روش‌های متعددی استفاده می‌شود که با توجه به سه مؤلفه متمایزکننده، دسته‌بندی شده است: الف) تعداد آرای که فرد رأی‌دهنده از آن برخوردار

1- C. Millbrath

2- Electoral Geography

است، ب) چگونگی تخصیص و توزیع آرا، ج) تعداد نمایندگانی که برای هر حوزه انتخاباتی برگزیده می‌شوند. بر اساس این سه مؤلفه، سه سیستم انتخاباتی وجود دارد:

۱. سیستم اکثریت نسبی آرا؛

۲. سیستم گزینش میان فهرست‌های مختلف حزبی؛

۳. سیستم اظهار آرا و گرایش‌های متفاوت و متنوع.

قوانین انتخابات مجلس ایران بر اساس سیستم اکثریت نسبی آرا تعریف شده است که به دو نوع سیستم اکثریت آرا در حوزه‌های تک نماینده و چند نماینده‌ای تقسیم می‌شود. در سیستم تک عضوی فهرستی از نامزدهای مختلف ارائه می‌شود و فرد رأی‌دهنده باید، با یک انتخاب، فرد منتخب را مشخص کند و نامزدی که بیشترین رأی را به خود اختصاص دهد به‌عنوان نماینده آن حوزه، وارد مجلس می‌شود (تایلور، ۱۳۸۶: ۲۲). طبق ماده (۸) قانون انتخابات، انتخاب نماینده در مرحله اول منوط به کسب حداقل یک‌چهارم کل آرا و در مرحله دوم و انتخابات میان‌دوره با کسب اکثریت نسبی به هر میزان است (شورای نگهبان، ۱۳۹۰)، در ایران اکثر حوزه‌های مجلس شورای اسلامی تک عضوی هستند. در سیستم چند عضوی، بیش از یک نماینده برای حوزه برگزیده می‌شوند، در این سیستم نامزدهایی که بیشترین آرا را به دست بیاورند به ترتیب بر اساس تعداد نماینده حوزه انتخابیه، به مجلس وارد می‌شوند (تایلور، ۱۳۸۶: ۲۳). رویکردها و نظریه‌های گوناگونی به تبیین مشارکت سیاسی زنان و به‌خصوص موانع آن، پرداخته‌اند که در ادامه خلاصه‌ای از نظریه‌هایی که هماهنگی بیشتری با پژوهش حاضر دارند در جدول شماره (۱) ارائه می‌شود.

جدول شماره (۱). نظریه‌های مشارکت سیاسی

نظریه پردازان	شاخص‌ها	رویکرد/نظریه
رابرت دال، وربا، آلموند، پاول، هومنز، بلاو	اعتماد و اثربخشی سیاسی، محاسبه سود و زیان، پست و موقعیت سیاسی، فواید ناشی از تصمیم‌های حکومت، احساس مسئولیت و وظیفه به دلیل التزام درونی	روان‌شناختی
استروس	نوع ساختار دولت (دموکراتیک، اقتدارگرا)	ساختارگرایی
هانتینگتون	مهارت سیاسی، بحران سیاسی، احزاب، نخبگان، نهادینه کردن، ساختار سیاسی، مشروعیت، شورش، انقلاب	نهادمندی سیاسی
پارسونز، مرتون	تقسیم کار جنسیتی، فرهنگ، پایگاه، هنجارها، نقش‌ها، انتظارات، ارزش‌ها،	کارکردی-

نظریه پردازان	شاخص‌ها	رویکرد/نظریه
	حفظ نظم اجتماعی	ساختاری
	نیاز به پیشرفت	نوسازی
لین	جامعه‌پذیری متفاوت دختر و پسر، آموزش ارزش‌ها، فراگیری رفتارهای متناسب با هنجارهای پذیرفته‌شده توسط نظام خانواده، آموزشی و رسانه‌ها	جامعه‌پذیری
	به‌صورت متفاوت در دو جنس	
	مالکیت خصوصی، تقسیم طبقاتی، نابرابری اجتماعی، استثمار، دیوان‌سالاری، اقتدارگرایی، نظام متمرکز سیاسی و اقتصادی همسو با نظام انحصارگرایی	تضاد
مارکس، لوکاج، گرامشی، کالینز، کانن، دارندورف،	بین‌المللی، نخیه‌گرایی، حرفه‌گرایی، روابط نابرابر، به حاشیه راندن افراد و گروه‌ها، نابرابری جنسیتی	
پارسونز	محدودیت‌های فیزیولوژیکی زنان	اختلاف فیزیولوژیک
بوردیو	عرصه، سرمایه، منش، عمل، نماد، طبقه، ذائقه	سبک زندگی
الموند و پاول	تحصیلات، درآمد، اشتغال، طبقه و ...	اقتصادی-اجتماعی
انگلس، مارکس	کنترل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی توسط مردان، موقعیت برتر مردان، بازتولید این پروسه، سعی در حفظ وضعیت موجود	مردسالاری-پدرسالاری

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تلفیقی است. بدین معنا که از دو روش کمی و کیفی جهت گردآوری داده‌ها استفاده شده است. در این راستا ابتدا با تحلیل محتوای اسناد و آمار موجود به بررسی وضعیت مشارکت سیاسی زنان در ایران پرداخته و با استفاده از نرم‌افزار GIS به تحلیل جغرافیایی تمام انتخاباتی که زنان ایرانی در آن توانسته‌اند به‌عنوان صاحب کرسی، حضور داشته باشند، پرداخته است. در این پژوهش به بررسی (۴) دوره از انتخابات مجلس شورای ملی، (۱۰) دوره از انتخابات مجلس شورای اسلامی و (۵) دوره از شورای شهر و روستا پرداخته شده است. در ادامه به‌منظور شناسایی موانع مشارکت و رتبه‌بندی آن‌ها از فن مصاحبه نیمه ساختاریافته با نخبگان سیاسی زن (نماینده مجلس، عضو شورای شهر، معاون ریاست جمهوری) و تحلیل محتوای اسناد مرتبط استفاده شده است. داده‌های حاصل از مصاحبه و اسناد به‌وسیله نرم‌افزار MAXQDA مقوله‌بندی و کدگذاری و تبدیل به سؤال شد.

برای به‌دست آوردن پایایی سؤالات از روش فرم‌های موازی استفاده و سؤالات اضافه حذف شد، سؤالات باقیمانده بین (۲۰۰) تن از افراد نمونه (نمایندگان مجلس شورای

اسلامی، اعضای شورای شهر و روستا، فعالان حوزه زنان، اساتیدی که در حوزه مشارکت سیاسی زنان کار علمی انجام داده‌اند) توزیع شد. در ادامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با استفاده از Friedman Test به اولویت‌بندی موانع مشارکت سیاسی پرداخته شد.

در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر هستیم:

- زنان در سیستم انتخاباتی تک‌عضوی شانس بیشتری برای ورود به مجلس دارند، یا چند عضوی؟
- رتبه‌بندی موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران در سطح نخبگان در جامعه مورد مطالعه چگونه است؟
- مناطق طرفدار زنان در ایران در دو سطح ملی و محلی کدامند؟
- چه رابطه‌ای میان تعداد رأی‌دهندگان زن و تعداد اعضای شورای شهر و روستا وجود دارد؟

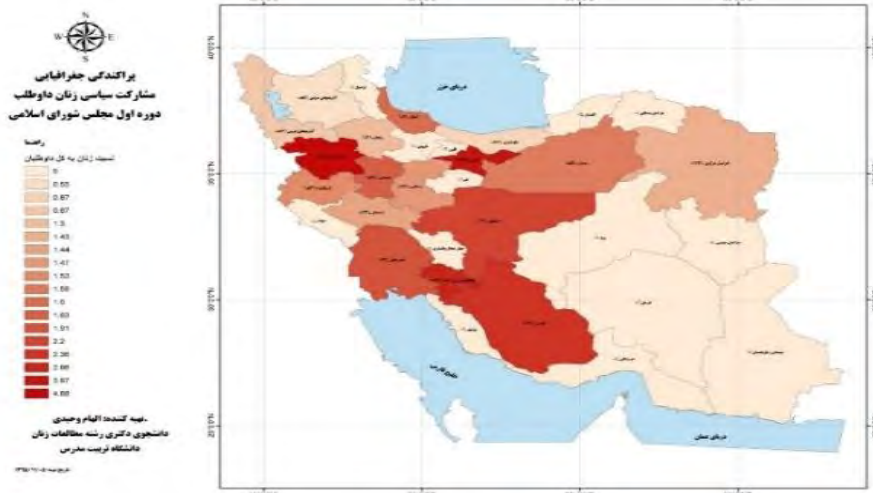
یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا، به پویای جغرافیایی (۱۹) دوره از انتخابات مجالس و شورای شهر و روستا در ایران پرداخته و در ادامه رتبه‌بندی موانع مشارکت سیاسی زنان در سطح نخبگان، ارائه شده است.

سطح ملی

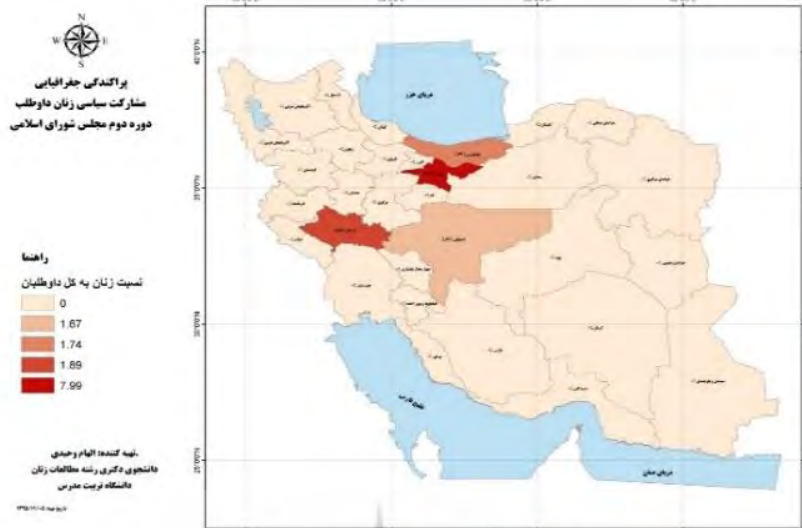
داوطلبان

از زمان برگزاری نخستین دوره انتخابات مجلس شورای ملی تا مجلس دهم شورای اسلامی، (۳۴) مرتبه انتخابات پارلمانی برگزار شده است که تنها در (۱۴) دوره آن، زنان شرکت داشته‌اند. بر اساس آمار ارائه شده از دفتر انتخابات وزارت کشور تعداد (۳۶۹۴) داوطلب برای اولین دوره انتخابات مجلس ثبت‌نام کردند که تنها (۷۵٪) از آنان، زن بودند (شکل شماره ۱).



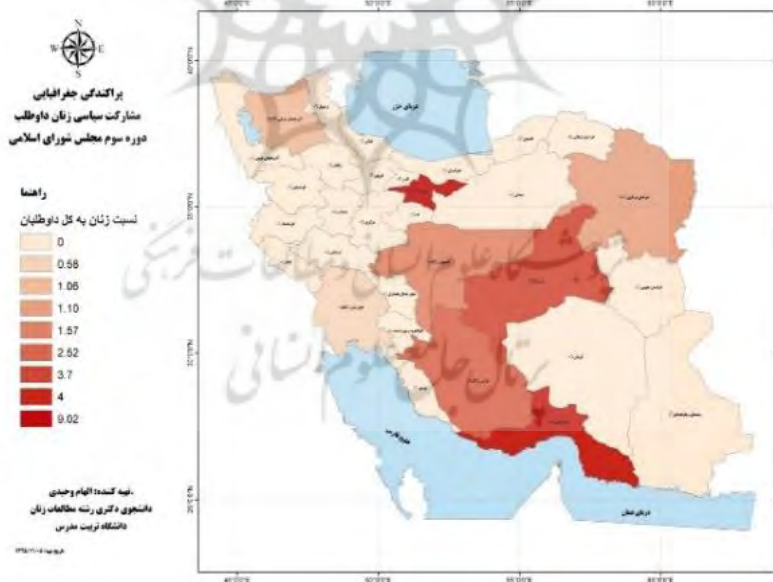
شکل شماره (۱). پراکندگی جغرافیایی داوطلبان زن دوره اول مجلس شورای اسلامی

با پایان یافتن دوره اول مجلس شورای اسلامی، دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۱ برگزار شد. کشور در طی این چند سال دوران پرفرازونشیبی را پشت سر گذاشته بود، ایران در آن سالها درگیر جنگ و در وضعیت تحریم شدید سیاسی، اقتصادی و نظامی بود (آقای جیره‌نده و بسطامی، ۱۳۸۷: ۴۲)، بر اساس آمار به‌طور کلی از داوطلبین زن و مرد حدود (۶۰٪) کاسته شده بود. تعداد کل داوطلبان این دوره (۱۵۹۲) نفر گزارش شده که مانند دوره اول تنها (۱۷۶٪) از کل داوطلبان، زنان بودند (شکل شماره ۲).



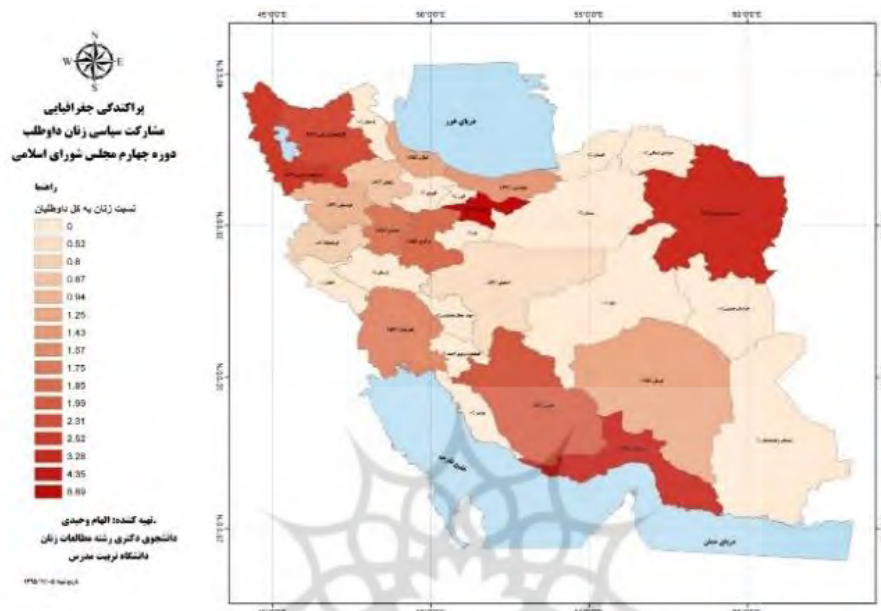
شکل شماره (۲). پراکنده‌گی جغرافیایی داوطلبان زن دوره دوم مجلس شورای اسلامی

دوره سوم انتخابات مجلس با (۱۹۹۹) داوطلب که (۱۸۵٪) از داوطلبان را زنان تشکیل می‌داند، برگزار شد؛ که تفاوت چندانی با دوره‌های قبل نداشت (شکل شماره ۳).



شکل شماره (۳). پراکنده‌گی جغرافیایی داوطلبان زن دوره سوم مجلس شورای اسلامی

انتخابات دوره چهارم مجلس با افزایش حدود (۳۰٪) تعداد داوطلبان در سراسر کشور همراه بود که (۵۱٪) از داوطلبان این دوره، زنان بودند (شکل شماره ۴).

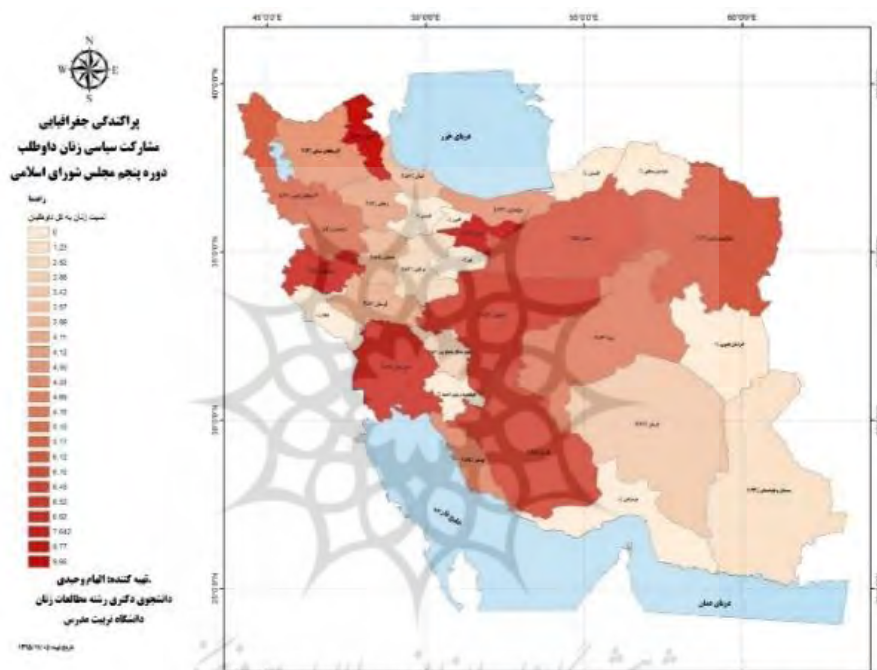


شکل شماره ۴). پراکندگی جغرافیایی داوطلبان زن دوره چهارم مجلس شورای اسلامی

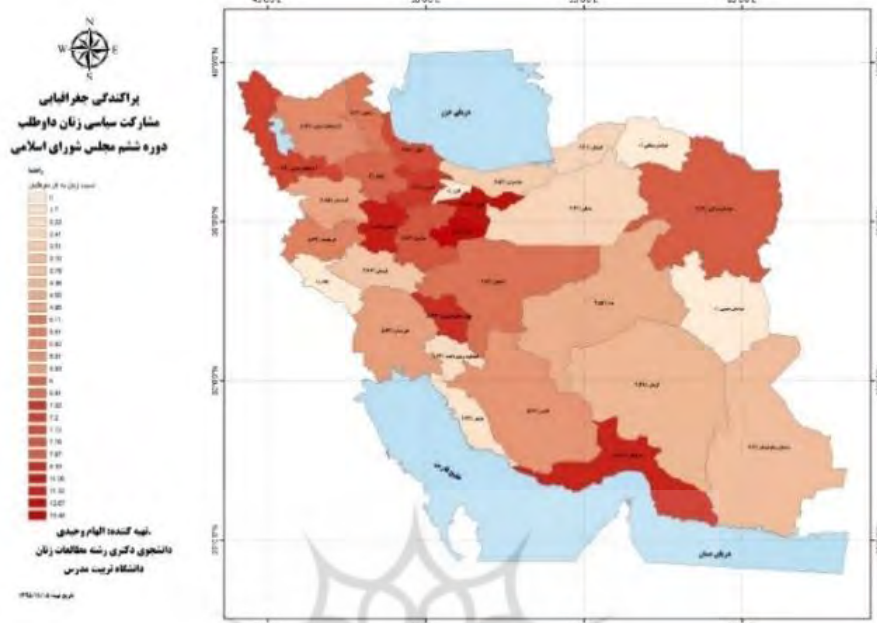
بر اساس آمار ارائه شده از پنجمین انتخابات مجلس، کل داوطلبان این دوره (۵۳۶۶) نفر بودند که نسبت به دوره قبل (۱۶٪) افزایش داشت (شکل شماره ۵). داوطلبان زن در این دوره (۳۲۰) نفر بودند که نسبت به دوره قبل (۳۹٪) افزایش داشت. در ششمین دوره انتخابات مجلس تعداد نمایندگان از (۲۷۰) به (۲۹۰) نفر افزایش یافت. کل داوطلبان این دوره (۶۸۵۳) نفر بودند (۷۴۹٪) آنان، زنان بودند (شکل شماره ۶). انتخابات دوره هفتم پر کاندیداترین دوره انتخاباتی بود و تعداد (۸۱۷۲) نفر در این انتخابات شرکت کردند که درصد داوطلبان زن در آن به (۱۰۱۳٪) رسید (شکل شماره ۷). انتخابات هشتمین دوره مجلس با (۷۶۰۰) داوطلب برگزار شد. تعداد داوطلبان زن در این دوره به نسبت دوره قبل کاهش یافت و به (۸۰۴٪)، رسید (شکل شماره ۸). تعداد کل داوطلبان دوره نهم، نسبت به دوره قبل کاهش داشت و به (۵۳۸۵) نفر رسید که (۸۰۲٪) از داوطلبان را زنان تشکیل می دادند (شکل شماره ۹). تعداد داوطلبان زن دهمین دوره رشدی معادل (۲۲۵٪) نسبت به دوره قبل داشت. درصد داوطلبان زن

این دوره به (۸۹٪) رسید که نسبت به دوره قبل (۳۳۵) برابر رشد داشت (شکل شماره ۱۰).

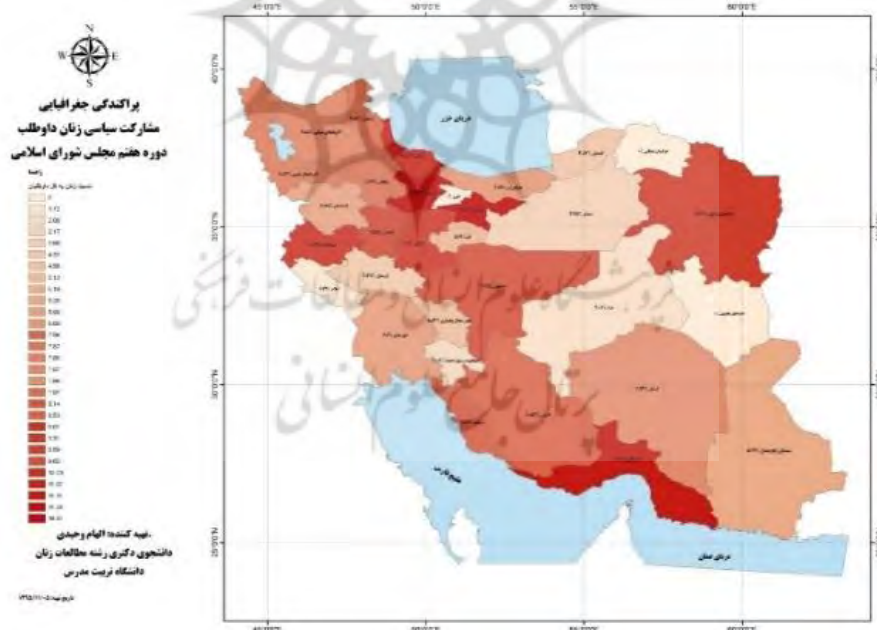
با توجه به آمار و نقشه‌ها باید گفت که تمامی استان‌ها از دوره اول تا دهمین دوره انتخابات مجلس داوطلبانی برای حضور در رقابت‌های مجلس شورای اسلامی معرفی کرده‌اند. از بین استان‌ها فقط یزد و هرمزگان در دو دوره اول و همدان در دوره‌های دوم و سوم داوطلبی برای نمایندگی مجلس نداشتند.



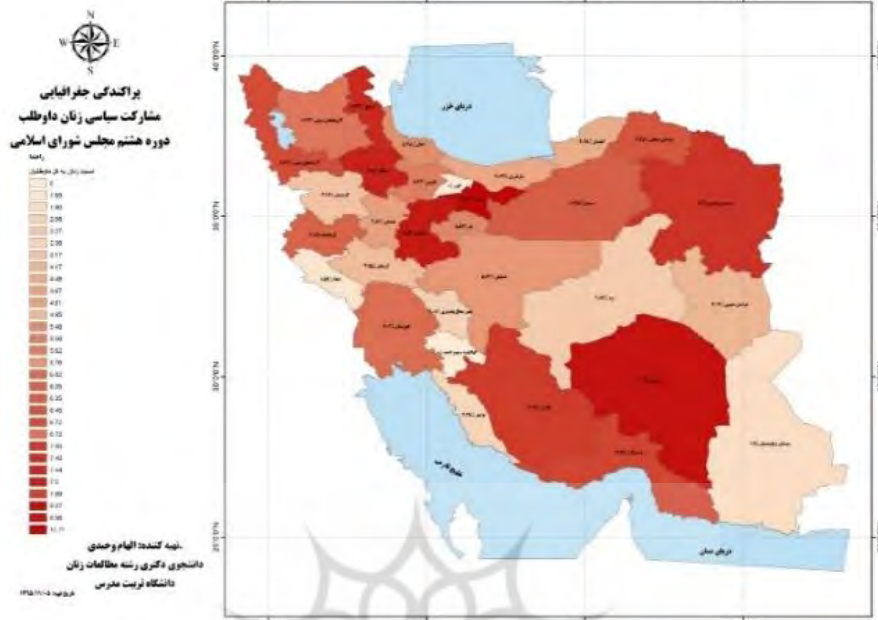
شکل شماره (۵). پراکنده‌گی جغرافیایی داوطلبان زن دوره پنجم مجلس شورای اسلامی



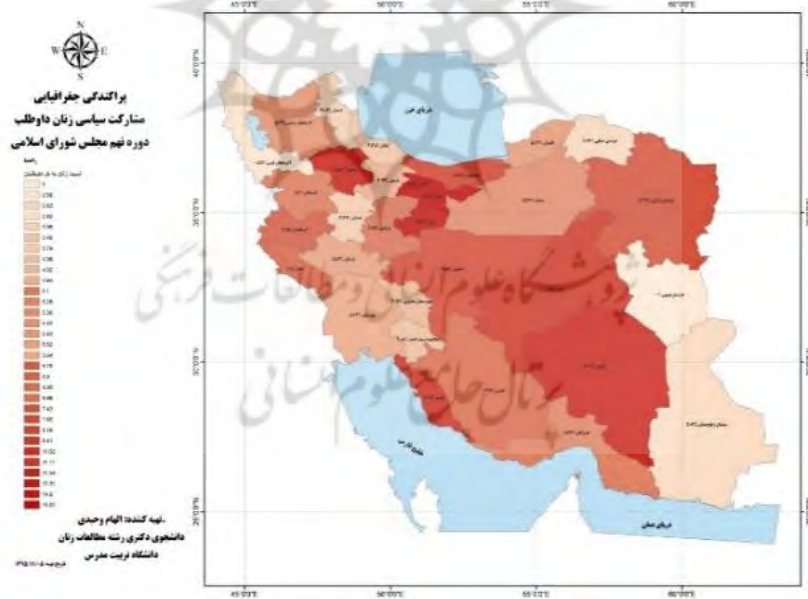
شکل شماره (۶). پراکنده جغرافیایی داوطلبان زن دوره هشتم مجلس شورای اسلامی



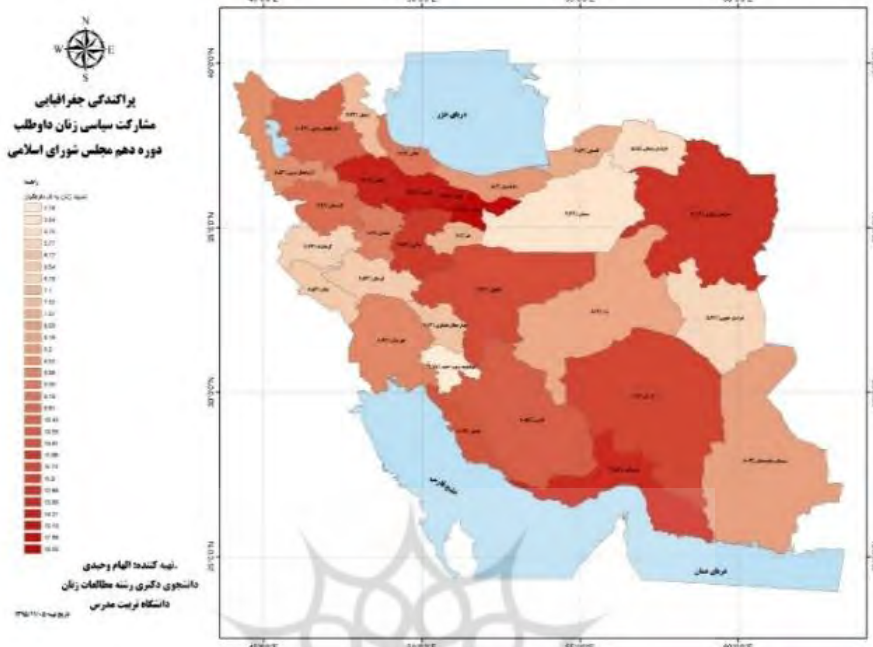
شکل شماره (۷). پراکنده جغرافیایی داوطلبان زن دوره هفتم مجلس شورای اسلامی



شکل شماره (۸). پراکندگی جغرافیایی داوطلبان زن دوره هشتم مجلس شورای اسلامی



شکل شماره (۹). پراکندگی جغرافیایی داوطلبان زن دوره نهم مجلس شورای اسلامی

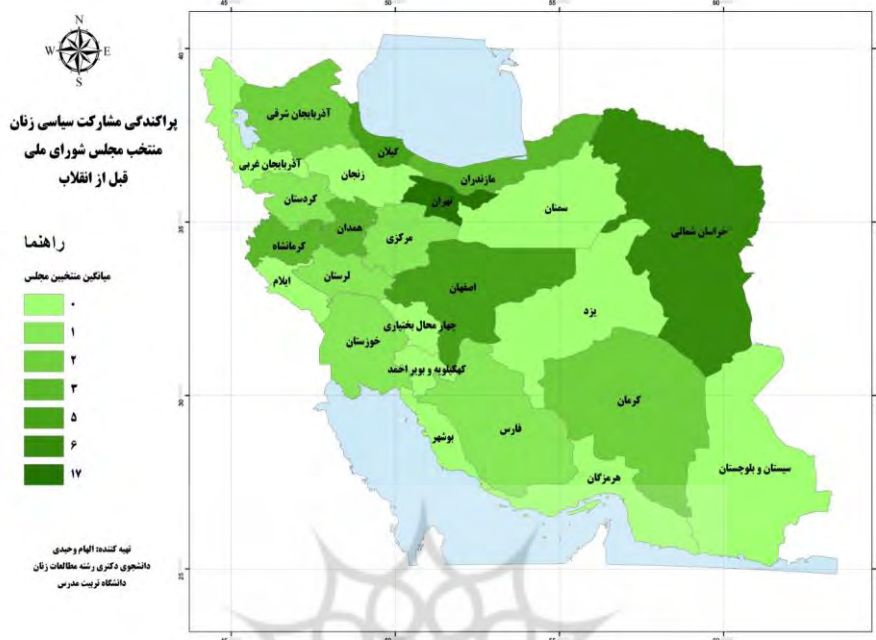


شکل شماره (۱۰). پراکنده‌گی جغرافیایی داوطلبان زن دوره دهم مجلس شورای اسلامی

حضور زنان به‌عنوان داوطلب نمایندگی مجلس، طی ده دوره پس از انقلاب نشان می‌دهد که مشارکت زنان به‌عنوان داوطلب مجلس از دوره‌های اول تا چهارم زیر (۵٪) از کل داوطلبان بوده و از دوره سوم به بعد مشارکت به بالای (۵٪) رسیده است؛ به‌طوری‌که در دوره هفتم به (۱۰٪) رسیده و دو برابر شده است. دوره هشتم و نهم با افت مشارکت زنان مواجهیم اما در دوره دهم مشارکت زنان به بالاترین حد خود یعنی (۱۱۸۹٪) از کل داوطلبان می‌رسد.

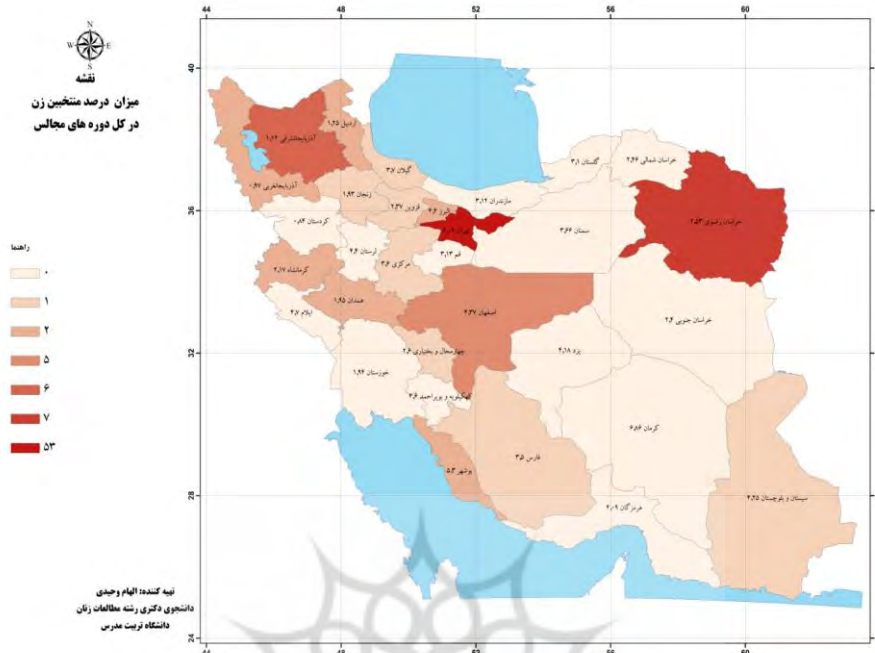
منتخبین

اولین تجربه حضور زنان در مجلس، به بیست و یکمین دوره از مجلس شورای ملی بازمی‌گردد. تا قبل از مجلس بیست و یکم هیچ زنی به‌عنوان نماینده نتوانسته بود، پای به مجلس بگذارد.



شکل شماره (۱۱). میانگین پراکندگی جغرافیایی منتخبین چهار دوره مجلس شورای ملی قبل از انقلاب اسلامی در دوره (۲۱) تعداد (۶) نفر، دوره (۲۲) تعداد (۸) نفر، دوره (۲۳) تعداد (۱۷) نفر و دوره (۲۴) تعداد (۲۱) نفر از زنان به مجلس راه یافتند که هر دوره نسبت به دوره قبل سیر صعودی داشته است (شکل شماره ۱۱). تعداد کل نمایندگان زن قبل از انقلاب (۵۲) نفر بود که (۳۵) نفر از آنان از شهرستان‌ها و مناطق دورافتاده انتخاب شده بودند، در مقایسه تعداد نمایندگان زن مجلس تهران و شهرستان‌ها برخی صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که آنچه سبب موفقیت این بانوان در انتخابات شده، نه رشد سیاسی زنان این مناطق بوده و نه فعالیت سیاسی ایشان در حوزه انتخابی، بلکه نفوذ و وابستگی آنان به خانواده‌های متنفذ در این مناطق سبب انتخاب آنان شده بود (شجیعی، ۱۳۸۳: ۵۵۸). تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی در حال حاضر (۲۹۰) نفر است. با توجه به آمار موجود، زنان ایران علی‌رغم رشد در عرصه‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی، در عرصه سیاسی، به‌ویژه در رده‌های بالای مدیریتی، همچون نمایندگی مجلس حضور درخور توجهی در مجامع سیاسی ندارند. از آمار موجود به این نتیجه می‌رسیم که در طول (۱۰) دوره انتخابات مجلس بیشترین سهم زنان در به دست آوردن کرسی‌های مجلس

متعلق به مجلس دهم است که (۱۷) نماینده با (۵۸۶٪) را شامل شده است و کمترین سهم نیز با (۱۵٪) متعلق به دوره‌های اول تا سوم مجلس است. با نگاه به تعداد کرسی‌های مجلس که از مجلس اول تا پنجم (۲۷۰) نفر و از مجلس ششم تا دهم به (۲۹۰) نفر افزایش یافته است و توجه به سهم اندک زنان از این کرسی‌ها، به نقش کم‌رنگ زنان در مجلس شورای اسلامی پی می‌بریم. در مجموع در طول (۱۰) دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی فقط (۹۵) نماینده زن در مجلس حضور داشته‌اند این در حالی است که تعداد کل نمایندگان مجلس تا دوره دهم، (۲۹۸۰) نفر بوده و (۹۵) نماینده در مقابل این عدد بسیار ناچیز است. با نگاهی به آمارهای به‌دست‌آمده در طول (۱۰) دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و شکل شماره (۱۲) مشاهده می‌شود که موفقیت زنان برای به‌دست‌آوردن کرسی‌های مجلس در حوزه‌های چند عضوی در مقایسه با حوزه‌های تک عضوی بیشتر است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود در دوره اول تا سوم مجلس شورای اسلامی زنان فقط در حوزه انتخابیه تهران در کسب نمایندگی موفق شده‌اند. در هر سه دوره مذکور، (۴) زن به مجلس راه یافته‌اند. حوزه انتخابی تهران جزء حوزه‌های چند عضوی است. در دوره چهارم نیز حوزه‌های انتخابی تهران، تبریز، مشهد و کرمانشاه نمایندگان زن را به مجلس فرستادند که همگی این حوزه‌ها جزئی از حوزه‌های چند عضوی هستند. در دوره پنجم وضعیت نیز به همین گونه بود، فقط در حوزه انتخابی لار که یک حوزه تک عضوی بود، یک نماینده زن موفق به حضور در مجلس شد. در مجلس ششم تعدادی از حوزه‌های تک عضوی نماینده به مجلس فرستادند که عبارت‌اند از: خلخال، اسلام‌آباد غرب و دشتستان. در مجلس هفتم تنها نماینده از حوزه تک عضوی متعلق به خلخال بود و بقیه نماینده‌های زن از حوزه‌های چند عضوی انتخاب شده‌اند. در دوره هشتم زنان فقط از حوزه‌های چند عضوی به مجلس راه یافتند و در دوره نهم زنانی از حوزه‌های تک عضوی سمیرم، ساوه، زرندیه، سراب و مهربان موفق به حضور در مجلس شورای اسلامی شدند. در دوره دهم زنان از حوزه‌های تک عضوی شبستر- شهرضا و دهاقان- مبارکه، کنگان- دیر، جم- عسلویه و بروجن که جمعاً چهار نفر بودند، به مجلس راه یافتند و بقیه نمایندگان زن از حوزه‌های چند عضوی به نمایندگی مجلس انتخاب شدند.



شکل شماره (۱۲). میانگین پراکندگی جغرافیایی منتخبین ده دوره مجلس شورای اسلامی

در طول (۱۰) دوره انتخابات مجلس از تعداد (۹۵) نماینده زن (۱۲) نفر به حوزه‌های تک‌عضوی و بقیه به حوزه‌های چند‌عضوی تعلق داشتند؛ بنابراین بر اساس تبیین و بررسی آمارهای (۱۰) دوره انتخابات مجلس در ایران باید گفت، شانس موفقیت زنان برای به‌دست آوردن کرسی‌های مجلس در حوزه‌های چند‌عضوی بیشتر از حوزه‌های تک‌عضوی است. هم‌چنین، هر چه تعداد کرسی‌های نمایندگی در حوزه‌های چند‌عضوی بیشتر باشد، زنان از شانس بیشتری برای موفقیت برخوردارند. بر همین اساس حوزه تهران با داشتن (۳۰) کرسی نمایندگی، بیشترین آمار نماینده زن و پس از آن حوزه‌های اصفهان، تبریز و مشهد قرار دارند. به‌طورکلی هر چه تعداد عضو برای نمایندگی در مجلس در هر حوزه کمتر باشد تعداد شانس زنان برای ورود به مجلس بسیار کمتر است. هم‌چنین با توجه به آمارهای به‌دست‌آمده از پویش (۱۰) دوره انتخابات مجلس در ایران با این نتیجه می‌رسیم که شانس زنان برای ورود به مجلس در مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ بیشتر از شهرستان‌هاست از دوره‌های اول تا چهارم بدون استثنا تمامی زنان راه‌یافته به مجلس متعلق به مراکز استان‌ها و پایتخت بودند؛ در

دوره پنجم نیز از میان نمایندگان، فقط نماینده لار متعلق به شهرستان بود. در دوره ششم از تعداد (۱۳) نماینده سه نفر از آنان از شهرستان و بقیه از مراکز استان‌ها بودند. در دوره هفتم باز روند انتخاب زنان مراکز استان‌ها افزایش یافت و تنها (۱) نماینده زن از شهرستان به مجلس راه یافت. در دوره هشتم تمامی نمایندگان زن راه‌یافته به مجلس از مراکز استان‌ها بودند. در دوره نهم و دهم هر دوره جداگانه (۴) نماینده زن از شهرستان‌ها وارد مجلس شد. به‌طور کلی از (۹۵) نماینده زن ده دوره مجلس شورای اسلامی تنها (۱۵) نفر به شهرستان‌ها و (۸۰) نفر بقیه به مراکز استان‌ها تعلق داشتند.

به‌طور کلی از (۳۱) استان موجود در کشور، (۱۴) استان در طول (۱۰) دوره فاقد نماینده زن در مجلس بوده‌اند. از بین (۹۵) نماینده زن مجلس شورای اسلامی (۵۵) نفر از آنان به تهران و بقیه به سایر مراکز استان‌ها از جمله: اصفهان، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی و ... تعلق داشته‌اند. به‌طور کلی پس از بررسی آماری انتخابات مجلس شورای ملی و اسلامی به این نتیجه می‌رسیم که شانس زنان برای به دست آوردن کرسی مجلس در شهرهای بزرگ‌تر بیشتر از شهرهای میانی، کوچک و مناطق روستایی است. قومیت نقشی ناچیز در میزان موفقیت زنان برای به دست آوردن کرسی‌های مجلس دارد و تاکنون زیر (۱۰) نماینده از قومیت‌های مختلف در مجلس داشته‌ایم (پیشگاهی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶). شانس موفقیت زنان برای ورود به مجلس در مراکز استان‌ها، شهرهای بزرگ و شهرستان‌ها، بیشتر از شهرهای کوچک و مناطق روستایی است برخلاف آنچه پالمر و سیمون در کتاب شکستن سقف شیشه‌ای سیاست درباره نقش عوامل جغرافیایی عنوان کرده و معتقدند که نمایندگی در مناطق وسیع برای موفقیت زنان دشوارتر است و دلایل این امر را در این می‌دانند که رأی‌دهندگان در مناطق وسیعی پراکنده‌اند و زمان زیادی لازم است که میان آنان ارتباط برقرار شود و این موضوع یکی از مشکلات اساسی کاندیداهای زن است (پالمر و سیمون، ۱۳۸۹: ۲۰۵).

سطح محلی

داوطلبان

پس از انقلاب اسلامی و محوریت ارزش‌ها و شعائر اسلامی، شورا و مشارکت مردم و حفظ حقوق و آزادی‌های عمومی در صدر اهداف انقلاب قرار گرفت. براین اساس امام خمینی (ره) در ۹ اردیبهشت ۱۳۵۸ (ه.ش) پیش از آنکه قانون اساسی تصویب شود، طی حکمی^۱ به شورای انقلاب اسلامی دستور تهیه آیین‌نامه شوراهای اسلامی شهر و روستا را داد تا بلافاصله پس از تصویب به دولت برای اجرا ابلاغ شود (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶۷) و در ۹ اردیبهشت ۱۳۷۸ (ه.ش)، شوراها به‌طور رسمی کار خود را آغاز کردند (شجیعی، ۱۳۸۳: ۵۰۸).

بر اساس آمار ارائه‌شده از دفتر کل انتخابات وزارت کشور تعداد کل داوطلبان دوره اول شورای شهر و روستا (۳۳۶۱۳۸) نفر گزارش شده است که (۲۰۶٪) از کل داوطلبان، زنان بودند (شکل شماره ۱۳). تعداد کل داوطلبان دوره دوم (۲۱۸۹۵۷) نفر گزارش شده است که (۲۶۷٪) از آنان، زنان بودند (شکل شماره ۱۴). سومین دوره از انتخابات با (۲۴۷۷۵۹) داوطلب برگزار شد؛ که درصد داوطلبان زن به (۲۸۸) رسید (شکل شماره ۱۵). چهارمین دوره انتخابات با (۲۵۹۶۶۴) نفر که (۴۶۵٪) از کل آنان زنان بودند، برگزار شد (شکل شماره ۱۶). طبق آمار وزارت کشور تعداد (۲۸۹۸۸۳) نفر در پنجمین انتخابات شورای شهر و روستا ثبت‌نام کردند که (۶۲۲٪) از داوطلبان، زنان بودند (شکل شماره ۱۷). در (۴) دوره اول انتخابات شورای شهر و روستا به ترتیب استان‌های تهران، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل و اصفهان بیشترین تعداد داوطلب را داشته‌اند؛ اما در پنجمین دوره برای اولین بار یک شهرستان در مقام اول تعداد داوطلب قرار می‌گیرد و به ترتیب استان‌های کرمان، سیستان و بلوچستان، تهران، فارس و خراسان رضوی قرار دارند.

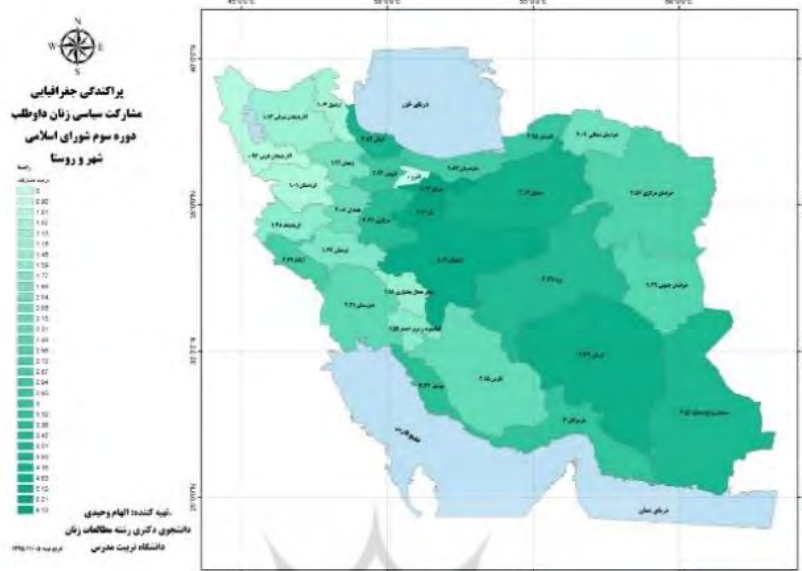
۱- در جهت استقرار حکومت مردمی در ایران و حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش، که از ضرورت‌های جمهوری اسلامی است، لازم می‌دانم بی‌درنگ به تهیه آیین‌نامه اجرایی شوراها برای اداره امور محلی شهر و روستا در سراسر ایران اقدام و پس از تصویب به دولت ابلاغ نمایم تا دولت بلافاصله به مرحله اجرا درآورد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶۷).



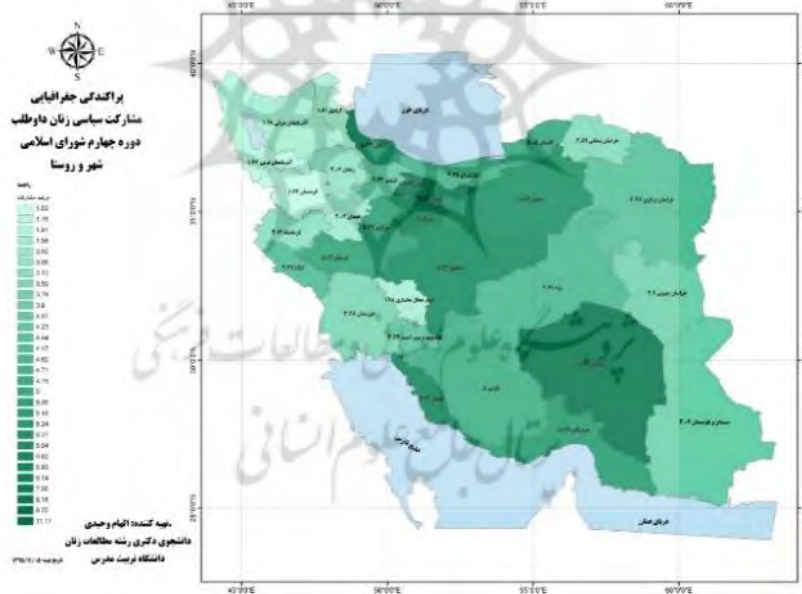
شکل شماره (۱۳). پراکنده جغرافیایی داوطلبان دوره اول شورای اسلامی شهر و روستا



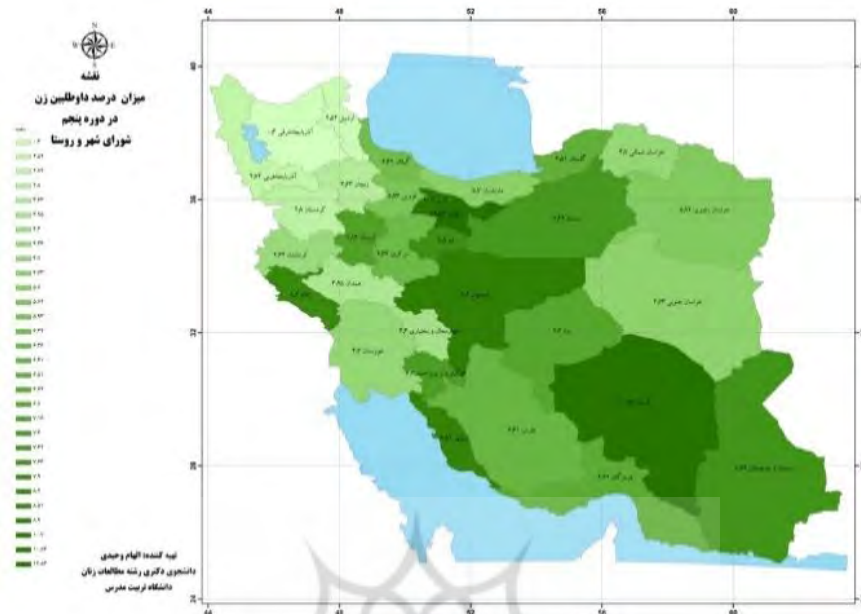
شکل شماره (۱۴). پراکنده جغرافیایی داوطلبان دوره دوم شورای اسلامی شهر و روستا



شکل شماره (۱۵). پراکندگی جغرافیایی داوطلبان دوره سوم شورای اسلامی شهر و روستا



شکل شماره (۱۶). پراکندگی جغرافیایی داوطلبان دوره چهارم شورای اسلامی شهر و روستا



شکل شماره (۱۷). پراکندگی جغرافیایی داوطلبان دوره پنجم شورای اسلامی شهر و روستا

منتخبین

منتخبین زن اولین دوره انتخابات شورای شهر و روستا به‌طورکلی (۸۳٪) از کل است. بیشترین میزان مشارکت به ترتیب در استان‌های تهران با (۳۲۵٪)، یزد با (۳۰۴٪)، کرمان با (۲۲۴٪)، سمنان با (۲۱٪)، قم با (۱۷۹٪)، سیستان و بلوچستان با (۱۲۷٪)، اصفهان با (۱۳۶٪)، گیلان با (۱۲۶٪)، مرکزی با (۱۱۳٪) و استان هرمزگان با (۲۰۱٪) است. آمار منتخبین در بقیه استان‌ها زیر (۱٪) است. در دومین دوره از انتخابات (۱۵٪) از داوطلبان زن، در سراسر کشور وارد شوراهای شهر و روستا شدند که به نسبت دوره اول رشد (۱۶۹) درصدی داشت. در این دوره بیشترین میزان نماینده زن به ترتیب متعلق به استان‌های تهران با (۴۵۸٪)، سمنان با (۴۴۱٪)، کرمان با (۳۹۳٪)، یزد با (۳۵۷٪)، قم با (۳۰۵٪)، بوشهر با (۲۸۱٪)، گلستان با (۲۶۶٪)، اصفهان با (۲۲۷٪)، سیستان و بلوچستان با (۲۱۵٪)، مرکزی با (۱۹٪)، هرمزگان با (۱۸۵٪)، گیلان با (۱۷۵٪)، خراسان با (۱۴۴٪)، قزوین با (۱۲۲٪)،

فارس با (۱۰۴٪) و استان لرستان با (۱۰۲٪) می‌باشند. آمار ارائه‌شده از بقیه استان‌ها زیر (۱٪) است (جدول شماره ۲).

در سومین دوره، منتخبین زن از (۱۵٪) به (۳۶٪) رسید که نسبت به دوره قبل (۱۴٪) کاهش داشت. در این دوره بیشترین آمار با (۳۰۸٪) متعلق به استان تهران است. استان‌های سمنان با (۲۹۹٪)، کرمان با (۲۷۴٪)، اصفهان با (۲۷٪)، مرکزی با (۲۳۸٪)، قم با (۲۱۶٪)، گیلان با (۱۸۴٪)، بوشهر با (۱۷۳٪)، گلستان با (۱۷٪)، یزد با (۱۶۶٪)، سیستان با (۱۶۳٪)، زنجان با (۱۶٪)، هرمزگان با (۱۵۷٪)، مازندران با (۱۵۶٪)، قزوین و خراسان جنوبی هرکدام با (۱۴٪)، خراسان رضوی با (۱۳۳٪)، ایلام با (۱۳۲٪)، همدان با (۱۲۴٪)، خوزستان با (۱۲٪) و استان فارس با (۱۰۴٪)، در رده‌های بعد قرار دارند.

در دوره چهارم با افزایش (۴۲۹) برابری تعداد نمایندگان شورای شهر و روستا مواجه هستیم. درصد نمایندگان زن از (۱۳۶٪) دوره سوم به (۳۳۹٪) در دوره چهارم رسید. در این دوره دو استان تهران و کرمان به ترتیب با (۷۶) و (۷۲) درصد بیشترین میزان نماینده زن را وارد شورای شهر و روستا کردند. نمایندگان زن استان‌های سمنان، قم، گیلان و لرستان بین (۴) تا (۵) درصد گزارش شده‌اند. منتخبین زن استان‌های خراسان جنوبی، اصفهان، ایلام، خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان، فارس، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، مازندران، مرکزی و یزد بین (۳) تا (۴) درصد بودند و منتخبین استان‌های خراسان شمالی، خوزستان، قزوین، کرمانشاه و همدان بین (۲) تا (۳) درصد زنان بودند. آمار منتخبین بقیه استان‌ها زیر (۲٪) گزارش شده است. در دوره پنجم، درصد نمایندگان زن با کاهش مواجه شد و از (۳۳۹٪) به (۳۱۹٪) رسید، کرمان با (۶۶۸٪) و تهران با (۶۰۶٪) آرا در صدر استان‌ها قرار دارند. در این دوره برای اولین بار یکی از شهرستان‌ها در صدر تعداد اعضای شورای شهر و روستا قرار گرفت، نمایندگی زنان در استان‌های اصفهان، البرز، ایلام، بوشهر، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد و لرستان بین (۴) تا (۶) درصد است. زنان در استان‌های چهارمحال بختیاری، سه خراسان، سمنان، فارس، قزوین، قم، کرمانشاه، گلستان، مازندران و مرکزی بین (۲) تا (۴) درصد از صندلی‌های شورا را به دست آوردند، آمار منتخبین بقیه استان‌ها زیر (۲٪) است.

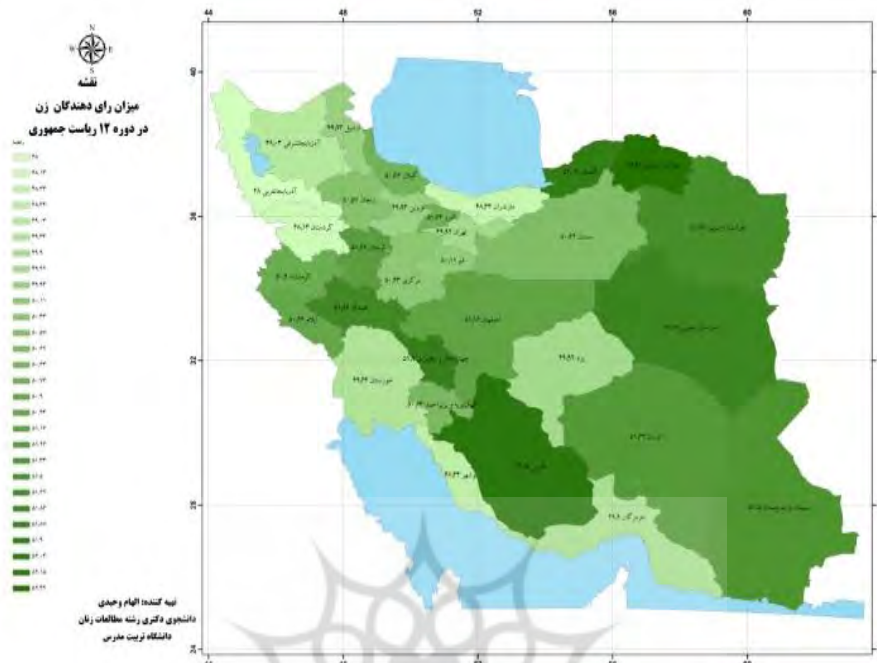
جدول شماره (۲). پراکندگی جغرافیایی داوطلبان دوره‌های اول تا پنجم شورای اسلامی شهر و روستا

دوره	زن	مرد	درصد زنان
دوره اول	۱۳۷۵	۱۶۲۶۰۵	۰۸
دوره دوم	۲۳۳۶	۱۵۲۹۸۳	۱۵
دوره سوم	۱۴۹۱	۱۰۷۶۴۵	۱۴
دوره چهارم	۶۰۹۴	۱۷۳۲۱۹	۳۳
دوره پنجم	۴۰۲۹	۱۲۱۹۶۳	۳۱

با مقایسه آمار موجود از تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شورای شهر و روستا به این نتایج می‌رسیم که: الف- اگرچه درصد داوطلبان زن برای مجلس شورای اسلامی بیش از درصد داوطلبان زن برای شورای شهر و روستاست اما درصد منتخبان زن برای مراکز تصمیم‌گیری در سطح محلی (شوراهای شهر و روستا) در مقایسه با منتخبان زن برای مجلس شورای اسلامی از درصد بیشتری برخوردار است، ب- در انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا برخلاف آنچه انتظار می‌رفت در شوراهای اسلامی روستا، زنان از اقبال بیشتری برخوردار بودند و سهمیه بیشتری به دست آوردند. این دو نکته نشان می‌دهد که از نظر مردم، اعتماد به زنان برای در دست داشتن قدرت محلی بیش‌تر از اعتماد آنان برای کسب قدرت توسط زن‌ها در سطح ملی است.

رأی‌دهندگان

در ادامه به دنبال بررسی رابطه میان میزان رأی‌دهندگان زن با تعداد اعضای شورای شهر و روستا هستیم.



شکل شماره (۱۸). پراکنندگی جغرافیایی رأی‌دهندگان زن دوره پنجم شورای اسلامی شهر و روستا

بر اساس شکل شماره (۱۸)، درصد رأی‌دهندگان زن در این دوره از انتخابات، بین (۴۸٪) در آذربایجان غربی تا (۵۲٪) در استان خراسان شمالی متغیر است. استان‌های فارس با (۵۲٪)، گلستان با (۵۲٪)، چهارمحال و بختیاری با (۵۱٪)، خراسان جنوبی با (۵۱٪)، همدان با (۵۱٪)، خراسان رضوی با (۵۱٪)، سیستان و بلوچستان با (۵۱٪)، کرمان با (۵۱٪)، لرستان با (۵۱٪)، اصفهان با (۵۱٪)، ایلام با (۵۰٪)، کرمانشاه با (۵۰٪)، گیلان و البرز با (۵۰٪)، کهگیلویه و بویراحمد با (۵۰٪)، سمنان با (۵۰٪)، زنجان با (۵۰٪)، مرکزی با (۵۰٪) و قم با (۵۰٪) پس از خراسان شمالی قرار دارند. در این استان‌ها بیش از نیمی از رأی‌دهندگان زنان هستند. در استان‌هایی که میزان مشارکت زنان بالای (۵۰٪) گزارش شده است، مثل استان‌های کرمان، اصفهان، البرز، ایلام، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، چهارمحال بختیاری، سه خراسان، سمنان، فارس، قم، کرمانشاه، گلستان و مرکزی به نسبت سایر استان‌ها تعداد اعضای کرسی شورای شهر و روستا بیشتر بوده و بین (۲) تا (۶٪) درصد گزارش شده است. البته استان‌های همدان، زنجان، گیلان با

آن که بالای (۵۰٪) از رأی‌دهندگان زن بودند ولی تعداد عضو شورای روستا و شهر بسیار ناچیز و زیر (۲٪) است.

موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران از دید نخبگان سیاسی

برای دستیابی به توسعه پایدار باید از تمامی منابع موجود در هر جامعه انسانی بهره برد، زنان نیز به‌عنوان شهروندان جامعه از این امر مستثنا نیستند و باید از تمام توان آن‌ها برای بهبود وضعیت جامعه و زنان استفاده کرد اما به دلایل متعددی در جوامع گوناگون از این ظرفیت‌ها استفاده کافی نمی‌شود. برای دستیابی به موانع مشارکت سیاسی زنان پس از مصاحبه با نخبگان سیاسی پرسشنامه‌ای تهیه و توسط گروه نمونه تکمیل شد، یافته‌های پژوهش موانع فرهنگی، اقتصادی، روانی، اجتماعی، سیاسی، فقهی و حقوقی را نشان می‌دهد که در ادامه ضمن اولویت‌بندی این موانع از دید گروه نمونه به تفصیل به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

جدول شماره (۳). رتبه‌بندی موانع مشارکت سیاسی زنان در سطح نخبگان

رتبه	میانگین رتبه	موانع مشارکت سیاسی زنان
۱	۴۹۷	فرهنگی
۲	۲۹۹	اقتصادی-روانی
۳	۲۰۷۶	سیاسی
۴	۲۴۱	اجتماعی
۵	۱۸۷	فقهی - حقوقی

N= 400 Chi-Square=909.773 df= 4 Sig=0.000

همان‌گونه که در جدول شماره (۳) دیده می‌شود، در سطح نخبگان، موانع فرهنگی در بالاترین رتبه قرار دارد، موانع اقتصادی-روانی در رتبه دوم، موانع سیاسی در رتبه سوم، موانع اجتماعی در رتبه چهارم و موانع فقهی و حقوقی در رتبه پنجم قرار دارند. هم‌چنین با توجه به سطح معناداری به‌دست‌آمده (Sig=۰.۰۰۰) که کمتر از (۰.۰۱) است می‌توان گفت رتبه‌بندی به‌دست‌آمده قابل‌قبول است.

نتیجه‌گیری

رابطه متقابلی میان توسعه‌یافتگی و مشارکت همه‌جانبه زنان در سرنوشت کشور وجود دارد و توسعه هر جامعه‌ای در گرو استفاده از تمام ظرفیت‌های انسانی آحاد جامعه است.

حضور زنان در رشد سیاسی کشور بیانگر بلوغ فکری و افزایش شعور اجتماعی آن جامعه است. تا زمانی که کشور از کل ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل خود استفاده نکند به توسعه پایدار دست پیدا نمی‌کند.

امروزه مسئله زنان و به‌ویژه مشارکت آنان در مدیریت سیاسی کلان جامعه مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان مختلف قرار گرفته است و یکی از شاخص‌های مهمی که به‌عنوان معیار توسعه جنسیتی و توانمندی جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد، میزان حضور زنان در رده‌های بالای مدیریت سیاسی کشور است. قبل از انقلاب اسلامی و پس از نهضت مشروطه و تأسیس مجلس شورای ملی زنان در بیست و یکمین تا بیست و چهارمین مجلس به‌عنوان نماینده حضور داشتند. در این چهار دوره حضور زنان همواره سیر صعودی داشته است و در سطح وزارت هم (۲) وزیر زن حضور داشته‌اند. پس از انقلاب اسلامی زنان از اولین دوره مجلس تا دهمین دوره هم به‌عنوان داوطلب و هم به‌عنوان نماینده حضور داشته و بین (۵ تا ۸) درصد در نوسان بوده‌اند و تنها یک وزیر زن در کابینه‌های پس از انقلاب حضور داشته است. چنانچه مشاهده می‌شود پس از انقلاب علی‌رغم برنامه‌ریزی‌ها در این حوزه، حضور زنان در این سطح از مشارکت پیشرفتی نداشته و با مشکلات و مسائل زیادی مواجه است.

تحلیل جغرافیای انتخابات نشان از آن دارد که مشارکت زنان در دستیابی به مناصب و پست‌های مدیریتی - اجرایی کشور به شکلی کاملاً متفاوت و ناهمگون نسبت به مردان قرار دارد.

از آنجاکه انسان‌ها به‌طور ذاتی موجوداتی اجتماعی هستند؛ میل به دخالت در سرنوشت خود را دارند. زنان ایرانی به‌دفعات مختلف، حرکات سیاسی تأثیرگذاری از خود نشان داده‌اند اما همواره موانع بی‌شماری بر سر راه مشارکت زنان در سطح نخبگان به وجود آمده است. بررسی و شناخت مؤلفه‌های مؤثر بر این کاهش، شاخص‌های مختلفی از قبیل موانع فرهنگی، اقتصادی و روانی، سیاسی، اجتماعی، فقهی و حقوقی را نشان می‌دهد. لذا برای تغییر در میزان مشارکت سیاسی زنان نیاز به انجام مجموعه‌ای از فعالیت‌ها می‌باشد که دولت و سازمان‌های ذی‌ربط می‌توانند در این راستا انجام دهند.

پیشنهاد‌های پژوهش

راهکارهای افزایش مشارکت سیاسی زنان در سطوح محلی-منطقه‌ای و ملی با توجه به نقشه پراکندگی فضایی مشارکت‌کنندگان و تطبیق علل و عوامل کاهش‌دهنده آن به شرح زیر می‌باشد:

- آگاه‌سازی زنان در راستای مسئولیت‌های حاکم بر سرنوشت نیمی از افراد جامعه؛
- تلاش برای کاهش موانع مشارکت سیاسی زنان در همه ابعاد اشاره‌شده؛
- استفاده از سهمیه‌بندی جنسیتی تا رسیدن به سطح مطلوبی از حضور زنان؛
- توجه به ظرفیت‌های مشارکتی زنان در مدیریت امور منطقه‌ای-محلی؛
- استفاده از الگوی مناطق طرفدار زنان باهدف افزایش مشارکت در سایر مناطق؛
- شبکه‌سازی منطقه‌ای جهت همفکری و استفاده از زنان در مناصب سیاسی؛
- استفاده از سهمیه‌بندی جنسیتی با توجه به ویژگی‌های جمعیتی و ظرفیت‌های محلی.

منابع

- آقای جیره‌نده، عباس؛ بسطامی، رضا (۱۳۸۷). مجلس شورای اسلامی دوره ۲، چاپ ۱. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- پالمر، باربارا؛ سیمون، دنیس (۱۳۸۹). شکستن سقف شیشه‌ای سیاست. ترجمه زهرا پیشگاهی‌فرد و محمد زهدی‌گهرپور. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ زهدی‌گهرپور، محمد (۱۳۸۹). بررسی جایگاه و نقش زنان خاورمیانه در مشارکت سیاسی. فصلنامه زن در جامعه. سال ۱، شماره ۲۰۱، ص ۲۵-۴۴.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۷۹). جغرافیای انتخابات پارلمانی در ایران. جلد ۲۴. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۷۴). جغرافیای انتخابات. فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۳. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ کیانی، وحید؛ موسوی، سیده زهرا (۱۳۹۴). تحلیل جغرافیایی نمایندگی زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی (دوره ۱ تا ۹)، مجله علوم جغرافیایی، شماره ۲۳.
- تیلور، جانسون (۱۳۸۶). جغرافیای انتخابات. ترجمه زهرا پیشگاهی‌فرد و رسول اکبری. تهران: نشر قومس.
- چابکی، ام‌البنین (۱۳۸۳). نقش عوامل روان‌شناختی در مشارکت سیاسی زنان، مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه نور: مجموعه آثار امام خمینی. جلد ۷. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دفتر انتخابات وزارت کشور (سال‌های مختلف)، آمار مشارکت داوطلبان انتخابات دوره‌های مختلف.
- راش، مایکل (۱۳۸۳). جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت.
- رضوی الهاشم، بهزاد (۱۳۸۸). تحلیل فرآیند مشارکت زنان در فرآیند توسعه سیاسی- اجتماعی انقلاب اسلامی ایران. کتاب‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱، ص: ۶۰-۷۳.
- رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۳). تحلیلی از مشارکت سیاسی زنان ایرانی در تاریخ معاصر. فصلنامه معرفت، سال ۱۱، شماره ۸۶، ص ۶۳-۷۳.
- شجعی، زهرا (۱۳۸۳). نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات سخن.

- شورای نگهبان (۱۳۹۰). قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی با آخرین اصلاحات. قابل دسترس در <http://www.shora-gc.ir/Portal/home/?news>
- مصفا، نسرين (۱۳۷۵). مشارکت سیاسی زنان در ایران. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر و سید رحیم صفوی. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ناجی راد، محمدعلی (۱۳۸۲). موانع مشارکت زنان در فعالیتهای سیاسی و اقتصادی ایران پس از انقلاب اسلامی. تهران: کویر.
- Huntington, S. (1976). No Easy Choice: Political Participation in Developing Countries, Cambridge: Harvard University Press.
- Millbrath, C. (1981). Political Participation, Handbook of Political Behavior, New York: Plenum Press.
- Nohlen, D. (2002). Election in Asia and the Pacific: A Data Handbook, Volume 2, Oxford University Press.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی